

دُرد عشق

(گزیده ی شعر)

حاج سید ابوالقاسم حسینی

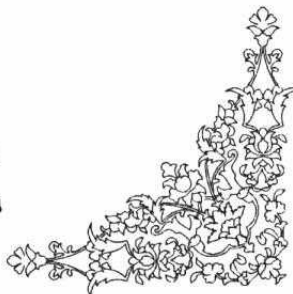
www.ketab.ir

به اهتمام:

سید رشید صلاح الدین حسینی



۱۳۹۹



سروشنامه: حسینی دستنایی، سید ابوالقاسم، ۱۳۱۶ - ۱۳۹۸.
عنوان و نام پدیدآور: دُرد عشق / سید ابوالقاسم حسینی دستنایی، گردآورنده

سید جلال‌الدین حسینی دستنایی.

مشخصات نشر: شهرکرد: مرید، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۹۹-۹-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴.

موضوع: persian poetry -- 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۰۵۸ / ۱۳۹۹

رده‌بندی دیوبی: ۸ فا ۱/۶۲

www.ketab.ir



دُرد عشق (گزیده‌ی شعر)

- سروده: حاج سید ابوالقاسم حسینی دستنایی
- به اهتمام: سید رشید صلاح‌الدین حسینی
- تدوین: سید جلال‌الدین حسینی دستنایی
- حروفچینی، ویرایش فنی و صفحه‌آرایی: محمد قاسمی
- لیتوگرافی: سروش شهرکرد
- چاپ: نقشینه
- شمارگان: هزار نسخه
- چاپ نخست: مهرماه ۱۳۹۹
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۹۹-۹-۳

- شهرکرد: میرآباد غربی، خیابان طباطبایی، کوچه ۱۱، پلاک ۴
- تلفن و نمابر: ۰۳۳۸۰۷۱۰ (۰۳۸) همراه: ۰۹۱۳۱۸۳۳۹۱۳

فهرست

■ مقدمه ۱۷

■ مثنویات، تمثیلات و قطعات ۲۳

..... ۲۵ شنیدم ماهی بی آب می گفت

..... ۳۰ دست خدا را در طبیعت می توان دید

..... ۳۲ خوشا و خرمای در عالم خاک

..... ۳۳ الا ای خیمگی! خیمه به باغم

..... ۳۴ به هر جا که تصور سازی ای یار

..... ۳۵ تو ای دانای پیوسته به قرآن

..... ۳۶ شب مولود سرو بوستانم

..... ۳۷ هنر را امر فرموده پیمبر

..... ۳۸ نشستند غریبان و فکر کردند

..... ۴۱ آدمی پنهان بود تحت لسان

..... ۴۶ هرگز تو مپندار که یک جرم صغیری

- ای نور مبین تو مظهر اعلائی ۴۸
- محبّان علی گرد هم آیید ۴۹
- یک سپه و یک سوار، شعله به جانم زند ۵۱
- من شیفته از جلوه سیمای حسینم ۵۴
- امشب به خدا دل به تمنای حسین است ۵۶
- حسن، زیبای زیبایان عالم ۵۷
- کوثر از شأن تو نازل شد به باب ۵۹
- گلِ گِلواژه گِلواژه خوانان ۶۲
- من امشب شاطی شطهای نورم ۶۲
- حقیقت تا که زهر شد هویدا ۶۳
- شبِ وُلد عزیز هر دو عالم ۶۴
- قیامت قامتی سازد به محشر ۶۴
- جهان و هر چه در عالم پدیدار ۶۵
- قمر شاهانه در جانم سفر کرد ۶۶
- دلی دارم خریدار ابوالفضل ۶۸
- پرده دارا پرده را بهر خدا ۷۰
- انیس ساحل دریای عاشقانی تو ۷۳
- بفرما براق تو را زین کنند ۷۵
- مرغ جان امشب ز سینه پر کشد ۷۸
- گل ناب جهان شیعیانی ۸۲
- نور خدای ازلی، آیت حق سید علی ۸۴

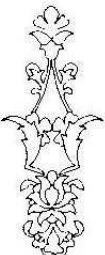
- ۸۵ به هر عصری خردهای زمانه
- ۸۷ به صد عشوه چو خاتم آفریدند
- ۸۹ دلا تا در نمازی با خدایی
- ۹۰ بیا ای دل که مأوای خدایی
- ۹۲ دلم در غم بشد مدغم، نشاید وارهم زین غم
- ۹۴ برادر عید را ننگر به رنگش
- ۹۵ سپاس خدا نعت احمد کنم
- ۱۰۰ ره جانبازها راه نماز است
- ۱۰۲ علی سالار دوران پاسدار است
- ۱۰۴ منافق تحت ضرغام بسیج است
- ۱۰۶ بشنو ای گوش خرد این حال خوش
- ۱۰۸ دوباره بهمن آمد بهمن آمد
- ۱۱۰ کلید جنتش در زیر پا باد
- ۱۱۲ سحر گوهر صدف را داد پیغام
- ۱۱۸ سلام من از بام ایران زمین
- ۱۱۹ الا ای کاروان آهسته تر ران
- ۱۲۱ سفر فرما گهی در شهر سامان
- ۱۲۲ دوباره دستنا خلد برین شد
- ۱۲۴ چو تابستان به گهرو پر بریزد
- ۱۲۶ خوش و خرم کنار دوستانم
- ۱۲۸ هر که شد محرم اسرار در اسرار بماند

۱۳۱	■ دوبیتی‌ها
۱۳۳	جهان لبریزی از نور نگار است
۱۳۳	دل مؤمن بود آینه یار
۱۳۴	تو کز خورشیدی و نیر چو مهتاب
۱۳۴	جهان لبریز عشق روی یار است
۱۳۴	ز فیاض درون فیض باقی
۱۳۴	معلم ساقی و هم ساغر عشق
۱۳۵	خدا باشد معلم تا پیمیر
۱۳۵	معلم ناخدای بحر نور است
۱۳۵	معلم وارث پیغمبران است
۱۳۵	معلم هادی فوق طبیعت
۱۳۶	معلم آیت سرمنزل عشق
۱۳۶	معلم از خدا آوازه دارد
۱۳۶	معلم بنگری آینه بنگر
۱۳۶	معلم شمع عالم سوز عشق است
۱۳۷	خدا چون گنبد گردون بنا کرد
۱۳۷	گلستان بی خزان دارد معلم
۱۳۷	معلم را مقام ای مرد شیدا
۱۳۷	معلم همچو اقیانوس احمر
۱۳۸	جهان صامت ز معنای معلم

- معلم ساقی خمخانه یار ۱۳۸
- معلم عاشق دیرینه علم ۱۳۸
- معلم معنی اش در دل نگنجد ۱۳۸
- جلال از چشمه چشمت سرازیر ۱۳۹
- چو من مهدی هادی دارم ای دوست ۱۳۹
- فراز کوه سینا مهدی ما ۱۳۹
- معلم صد چو اقیانوس احمر ۱۳۹
- بفرما چرخ را در ارض آرند ۱۴۰
- بی تو شادی ز دل تاراج گشته ۱۴۰
- دلان در انتظار نرگس یار ۱۴۰
- نگاه نافذت آب حیات است ۱۴۰
- جگر می سوزد و سوزش ز گردون ۱۴۱
- خلیل آسا در حق یقین زن ۱۴۱
- دلا خون شو چو سیحون و چو جیحون ۱۴۱
- نمازت از بدی ها می رهاند ۱۴۱
- براندازنده پستی نماز است ۱۴۲
- توان و توش و جانم در نماز است ۱۴۲
- جوانی که نمازش را بخواند ۱۴۲
- خوشا آنان که حمد و قل هو الله ۱۴۲
- سحر قلب خدا را چاک کردند ۱۴۳
- شتر می رفت و او آهسته می گفت ۱۴۳

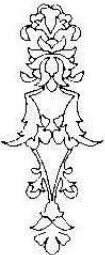


مقدمه



صاحب اثر پیش رو، مرحوم حاج سید ابوالقاسم حسینی در فروردین ماه، سال یکهزار و سیصد و شانزده هجری شمسی در قریه دستنا از توابع شهرستان گیار استان چهارمحال و بختیاری متولد شد.

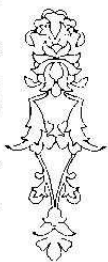
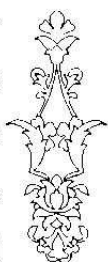
۱۷ او که دومین فرزند مرحوم حجت الاسلام حاج سید آقا رضا حسینی و بانو فاطمه اصغریان دستنایی است، به رسم معهود خانواده‌های اصیل و باسواد آن روزگار، در کودکی مقدمات علوم قدیم را نزد پدر فراگرفتند، از قرائت قرآن و نصاب الصبیان گرفته تا گلستان و بوستان و بعدها مثنوی معنوی؛ آنچنان که آن مرحوم، همواره با اشتیاق از جلسات



مثنوی خوانی در منزل پدری و خوشه چینی از آن خرمن
پر بار یاد می کردند.

آن گونه که خود بارها گفته و در دست نوشته های وی نیز
به آن اشاره شده در نوجوانی متأثر از غم از دست دادن مادر،
ناخود آگاه جملات موزون و مقفایی زمزمه می نموده و همین
امر باعث شد تا به مرور زمان به استعداد خود در سرایش
شعر پی ببرد و آرام آرام به نوشتن آن سروده ها روی آورد.
گفتنی است ایشان خط شکسته را خوش و نستعلیق را عالی
مشق می کردند.

همچنان که به سن جوانی با می گذاشتند مانند بسیاری از
جوانان آن روزگار در استان چهارمحال و بختیاری برای کار
و کسب روزی به کشور کویت رفته و در آنجا بتای زبردستی
شدند. پس از بازگشت با سر و سامان دادن نسبی به وضع
مالی خانواده خود، به فکر ادامه تحصیل افتادند و چون این
امکان در روستای دستنا وجود نداشت به لطف برادر
بزرگترشان (آقای دکتر سید محمد حسینی) که رئیس وقت
بیمارستان شهر بروجن بودند به آنجا رفتند و برای شرکت در
آزمونی که در آن دوره از افراد واجد شرایط جهت اعطای
مدرک تحصیلی پایه ششم ابتدایی می گرفتند آمادگی لازم را
کسب و با شرکت در این آزمون موفق به اخذ تصدیق ششم
ابتدایی شدند. پس از اخذ این مدرک تحصیلی که در آن زمان



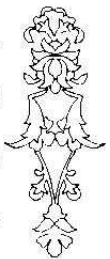
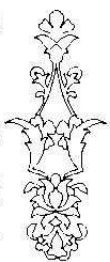
مدرک نسبتاً قابل توجهی بود، مدتی در بخش تأسیسات بیمارستان و مدتی نیز در جمعیت شیر و خورشید سرخ (هلال احمر) مشغول به کار شدند. سپس به همراه برادران خود (دکتر سید محمد، دکتر سید شمس‌الدین ابوالوفا و دکتر سید محمود) به اصفهان مهاجرت کردند و در مدرسهٔ عربان و چهارباغ (امام صادق (ع)) در محضر اساتید بنام آن روز حوزهٔ علمیه اصفهان از جمله مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری به نحو احسن تلمذ کردند. مع الوصف از آموختن همزمان علوم جدید نیز غافل نبودند و با حمایت همه‌جانبهٔ برادر ارشد خود در یکی از دبیرستان‌های شاخص آن روز اصفهان (شیخزاده هراتی) موفق به اخذ دیپلم در رشتهٔ ادبی شدند.

پس از انقلاب ابتدا به عنوان کارمند چندپیشه در استانداری چهارمحال و بختیاری استخدام شدند که آثار ماندگار این دورهٔ خدمتی وی در شهر گهر و موجود و در یاد و خاطرهٔ مردم قدرشناس این شهر باقی خواهد ماند.

پس از مدتی از طرف آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری دعوت به همکاری شدند و به عنوان دبیر ادبیات در دبیرستان‌های پسرانه و دخترانهٔ استان از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی شهرکرد، نواب صفوی سورشجان، شهید غفاری هفشجان، شهید منتظری و ولی عصر

שלמزار، امام خمینی و معراج دستنا به تدریس ادبیات و دستور زبان فارسی، عروض و بحور شعر و اوزان شعر، فنون و صنایع و آرایه‌های ادبی پرداختند، همچنین آن مرحوم با توجه به سابقه تحصیلات حوزوی؛ در تعلیم قرآن، و تدریس صرف و نحو عربی، فلسفه و منطق نیز دستی بر آتش داشتند. در همین سال‌ها، همکاری مؤثر و مستمری را با نهاد فرهنگی امور تربیتی سابق آموزش و پرورش آغاز کردند و به همین مناسبت در همایش‌ها، کنگره‌ها و محافل ادبی و شعری در سطح استان و کشور حضور فعالی یافتند و بخشی از آثار وی به همت امور تربیتی در نشریات معتبر ادبی آن روز چاپ شده است.

آن مرحوم پس از آن که بعد از عمری خدمت صادقانه به فرهنگ و ادب این مرز و بوم و تربیت شاگردانی بی‌شمار به افتخار بازنشستگی نائل آمدند، در کنار پرداختن به کشاورزی، با فراغت بیشتری به مطالعه و مذاقه در آثار و اشعار ستارگان شعر و ادب فارسی و شرح حال ادبای استان چهارمحال و بختیاری به ویژه عمان سامانی همت گماشته و نیز به جمع‌آوری و اصلاح سروده‌های خود پرداختند و همین اثر نیز حاصل آخرین اصلاحات به عمل آمده در اشعار وی می‌باشد که توسط مهندس سید جلال‌الدین حسینی با همت مدیر محترم انتشارات مرید چاپ و در دسترس علاقه‌مندان



به شعر و ادب فارسی قرار گرفته است.

آن مرحوم، از جوانی با قرآن مأنوس بودند و قرآن را با رعایت قواعد تجویدی و با لحنی محزون و جذاب تلاوت می‌کردند. یادداشت‌های پرتعداد و متنوع وی در حاشیه تمام صفحات قرآن شخصی خود حکایت از رابطه عمیق روحی، همه‌جانبه و البته عاشقانه وی با این کتاب آسمانی دارد و می‌توان از این یادداشت‌ها به عنوان یک روزنگار شخصی و خانوادگی یاد کرد و به جرأت می‌توان گفت تلاوت روزانه قرآن جزئی از برنامه ثابت و لایتغیر زندگی او به ویژه در سحرگاهان و هنگام مغرب به حساب می‌آمد تا حدی که هر ماه حداقل دو مرتبه قرآن را ختم می‌کردند.

سرانجام در مهرماه یک هزار و سیصد و نود و هشت، چراغ عمر بابرکت این عارف وارسته و شاعر آئینی معاصر برای همیشه خاموش شد تا روشنی آثار ماندگار و صدقات جاریه وی، همیشه نام او را در یادها به نیکی زنده نگه دارد.

در بررسی اجمالی آثار بجای مانده از این شاعر توانا و گمنام مشاهده می‌شود؛ اولاً دویستی‌ها اکثراً متأثر از سبک باباطاهر و مربوط به سال‌های آغازین حیات شعری او می‌باشد. ثانیاً دقت فوق‌العاده‌ای در رباعیات مصروف گشته و غالباً تأثیرپذیر از حکیم عمر خیام بوده که محصول دوران اوج و پختگی حیات شعری آن مرحوم می‌باشد. ثالثاً

مثنویات، مقطعات، تغزلات و بعضاً تمثیلات تراوش یافته از طبع روان این شاعر نشان از نگاه ژرف و نافذ وی به مسائل اجتماعی و پیرامونی و جریانات سیاسی روز و نیز حکایت از ارادت عمیق او به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارد و گویای مشی فکری و همچنین آینه تمام‌نمایی از مبانی قوی اعتقادی او در کنار اشراف و تسلط به اوزان و فنون شعر کلاسیک می‌باشد.

در پایان به نیابت از آن مرحوم، این اثر تقدیم می‌شود به روح پدر و مادر وی و به رسم قدرشناسی و ادب از ارشادات راهگشای ادیب معاصر و شاعر نام‌آشنا استاد مرید محمدی که حق دوستی را در خصوص صاحب‌اثر ادا و نقش بی‌بدیلی در چاپ این کتاب داشتند تشکر و قدر دانی می‌شود.

سید رشید صلاح‌الدین حسینی

اصفهان - تابستان ۱۳۹۹

